



کسختی

نمره صد و ششم / مهر ماه ۹۷

کمپین جمعی از مضمولان قانون منع به کارگیری بازنشستگان

نه به بازنشستگی پیش از مرگ!

«یک مدیر بازنشسته: ان شالله هفت هشت سال بعد از فوت کناره‌گیری می‌کنم!»

نقد و نظر: چندی پیش قانونی برای ممانعت از حضور بازنشستگان در مشاغل دولتی وضع شد که تا ۲۴ آبان به مضمولان آن قانون مهلت می‌دهد مشاغل خود را واگذار نمایند. در همین رابطه گفتگویی داشتیم با یکی مدیران بازنشسته با هدف بررسی ابعاد مختلف موضوع که به شرح ذیل تقدیم می‌شود.

«سلام پدرجان! شما چند سالتان است؟
- سلام. بنده پنجاه و خرده‌ای سال دارم.
«اما خیلی بیشتر بهتان می‌خورد. می‌شود دقیق‌تر بفرمایید؟
- یک کم شکسته شده‌ام که به خاطر بار سنگین مسئولیت است. ولی سنم پنجاه سال و چند ماه بیشتر نیست.
«چند ماه؟
- حدود سیصد ماه!
«طبق آنچه در بیوگرافی‌تان آمده الان باید بالای هشتاد سال داشته باشید.
- عرض که کردم، پنجاه سال و سیصد و شصت ماه دارم. همین دیروز جشن تولد هشتاد سالگی‌ام بود!
«مانند! خدا! حفظتان کند. چند سال است که در این سمت هستید؟
- این سمت یا این سمت؟
«همین سمت. صبر کنید ببینم، مگر بسمت و مسئولیت دیگری هم به جز این دارید؟
- بله البته. این سمت و این سمت و آن مسئولیت و آن یکی عنوان و فالان حکم و بهمان شغل را هم دارم. حالا دقیق‌تر بفرمایید منظورتان کدام یکی از این‌ها است؟
«علی‌الحساب همین آخری را بگویید.
- اینجا حدود چهار سال و اندی است که حضور دارم.
«باز شروع شد! چهار سال و چقدر دقیقاً؟
- چهار سال و چهارصد و سی و دو ماه...
«که می‌کند به عبارتی چهل سال! می‌بخشید خسته نشدید؟»



یعنی فکر نمی‌کنید که در این سن و سال نیاز به استراحت داشته باشید؟

- بله حق با شماست. خودم هم احساس می‌کنم نیاز به استراحت بیشتری دارم. به خاطر همین درخواست داده‌ام که...
«که بازنشسته شوید؟»

- خیر، درخواست داده‌ام که یک مسئولیت دیگر هم به من بدهند! چون مسئولیت‌های فعلی زمان استراحتشان کافی نیست، می‌خواهم یک مسئولیت دیگر بگیرم و از زمان‌های استراحتشان استفاده کنم!

«من که نفهمیدم چی شد! - قصد دارم یک زمانی را هم بروم در یک جای جدید استراحت کنم! همانطور که الان برنامه کاری‌ام این است که در جاهایی که مسئولیت دارم طبق جدول زمانبندی استراحت می‌کنم!

«بگذریم. حالا با ابلاغ قانون منع به کارگیری بازنشستگان متأسفانه دیگر باید از شغل‌تان جدا شوید و به صورت تمام وقت در منزل به استراحت بپردازید. نظر‌تان در این باره چیست؟»

- بنده مشمول این قانون نمی‌شوم!
«جان؟ چطور ممکن است؟ شما هشتاد سال و یک روز تان است و به گفته خودتان حداقل ۴۰ سال سابقه کار دارید!

- با این حال من مشمول نیستم و هنوز باید بمانم و خدمت کنم.
«ما با خدمت‌گرددندان مخالف نیستیم، همین حالا هم می‌توانید با یک خداحافظی بزرگ‌ترین خدمت‌ر را به کشور بکنید!

- من می‌خواهم خداحافظی کنم، ولی مجبورم می‌کنم که بمانم.
«منظور‌تان این است که مقامات بالا به شما فشار می‌آورند که سر کار بمانید؟»

- خیر، مقامات پایین فشار می‌آورند! اهل و عائله من خرج دارند و حقوق

بازنشستگی کفاف نمی‌دهد. زندگی خرج دارد.

«مگر حقوق بازنشستگی با حقوق فعلی‌تان چقدر فرق دارد؟ - فرقش زیاد نیست، برقیش زیاد است!

«یعنی چی؟»

- تا حالا نشنیده‌اید که می‌گویند خرجم زیاد نیست، برجم زیاد است؟ یعنی حاشیه‌هایی که جزء خرج رسمی نیست زیاد است. اینجا هم فرقش زیاد نیست، برقیش زیاد است! یعنی حاشیه‌های غیررسمی‌اش زیاد است.

«به هر حال مصلحت این است که دل بکنید و جا را برای جوان‌ها باز کنید.»

- ببینید، اگر من کنار بروم نهایتاً یک نفر جای من را می‌گیرد، ولی در حال حاضر دارم سه چهار تا جوان رعنا را نان می‌دهم که اگر بازنشسته شوم تبدیل می‌شوند به انگل اجتماع! حالا شما انصاف بدهید که کدام یک به مصلحت نزدیک‌تر است؟!

«مگر آقا زاده‌ها پتان خودشان کار نمی‌کنند؟»

- خودتان می‌فرمایید آقا زاده؛ مگر آقا زاده هم کار می‌کند؟!
«من که دیگر حرفی ندارم. پس خودتان بفرمایید که به امید خدا چه زمانی بازنشسته می‌شوید و کناره‌گیری می‌کنید؟»

- با توجه به اینکه دکترها جوابم کرده‌اند و یک سال بیشتر زنده نخواهم بود، انشاءالله هفت هشت سال دیگر بازنشسته می‌شوم!

«یعنی زبانتان لال بعد از مرگ هم می‌خواهید کار کنید؟»

- خوب عزیز من! زندگی که هیچ، مردن هم خرج دارد! بالاخره با آن برنامه‌هایی که بنده برای دوران بستری شدن و مراسم ختم و شب هفت و چهلم و غیره در نظر دارم و مو به مو وصیت کرده‌ام که بازماندگان اجرا کنند، حداقل هفت سال بعد از فوت هم مجبور هستم سر کار بروم تا بتوانم هزینه‌ها را جبران کنم! حالا بعد از آن بر اساس شرایط تصمیم خواهم گرفت که سمت مشاور رئیس رؤسا را قبول کنم و باز هم به کار کردن ادامه بدهم یا اینکه کاملاً بازنشسته شوم و بروم در بخش خصوصی فعالیت کنم!

«برای‌تان آرزوی موفقیت می‌کنم در این دنیا و آن دنیا و هر دنیایی که هستید. پیشنهاد می‌کنم کمپین #نه_به_بازنشستگی_قبل_از_مرگ را راه‌اندازی کنید و خودتان هم بشوید سردمدارش! واقعا دست‌مزد می‌زند!»

- بله، پیشنهاد خوبی است. من متقدمم وقتی خون در رگ‌های انسان جریان دارد بازنشستگی بی‌معنا است. این‌ها همه‌اش حرف‌ها و سر و صداهای دلواپسان است که می‌خواهند مدیران باتجربه و کارآمد را از این دولت جدا کنند و دولت را زمین بزنند. من از همین جا اعلام می‌کنم تمام مسئولان و مدیران بازنشسته که بالاچار باید از دولت بروند، دور هم جمع شوند و «کانون مدیران ابدی» را تشکیل دهند و با این قانون مزخرف مبارزه کنند!

«خیلی هم خوب! موفق باشید. ما هم منتظر می‌مانیم تا ۲۴ آبان که ببینیم زور قانون به شما می‌رسد یا برعکس!»

تهدید به تنبیه عربستان از سوی ترامپ؛ اگر معلوم شود سعودی‌ها پشت ماجرای ناپدید شدن خاشقچی باشند عقوبات سختی در انتظار این کشور خواهد بود!

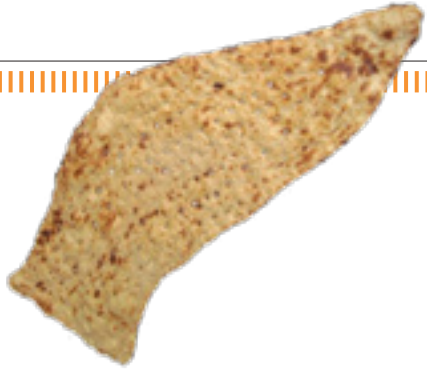


سجاد جعفری

برنامه جامع دولت برای مهار نقدینگی که در ۱۲ بسته طراحی شده است



جواد نکجو



پیرامون شایعات درباره گران شدن نان سنگک خواهش می‌کنیم سنگک را برای مردم بگذارید!

«مردم! یادتان است نان گران نداشتید؟»
«پیشنهاد افزایش طول سنگک!»

ورد نه

اصغر پابرجا رئیس اتحادیه نان سنگک گفت: هنوز برای افزایش قیمت نان تصمیم‌گیری نشده است، پیشنهاد شده نان به صورت کیلویی به فروش برسد.

قبل از هر چیز از آقای پابرجا خواهش می‌کنیم زودتر تصمیم‌گیری کنند تا نان‌ها بیات نشده‌البتّه شاید یک کمی دیر شدن زیاد هم بد نباشد، یک عمری مردم توی صف منتظر نان ایستادن، حالا مدتی هم نان‌ها و نانوایان توی صف افزایش قیمت منتظر بمانند!

بعد هم در مورد پیشنهاد فروش کیلویی نان چند نکته به ذهنمان رسیده که عرض می‌کنیم:

اول اینکه مگر تا حالا فروش نان کیلویی نبوده؟ تا جایی که ما دیده‌ایم توی هر نانوائی تابلویی نصب است که وزن خمیر نان و قیمت مصوبش را درج کرده‌اند. اگر این به معنای فروش کیلویی نیست پس چیست؟! شاید آن تابلوها تزئینی بوده، مثل خیلی چیزهای دیگر از جمله اتحادیه‌ها!

بعد بر فرض تصویب چنین پیشنهادی، اگر قرار باشد نان سنگک را وزن کنند و به مردم بدهند، با سنگ‌هایش روی ترازو می‌گذارند یا بدون سنگ؟! آخر از این دست مسائل در نانوائی‌ها سابقه دارد، مثل قضیه کتجد روی نان که هنوز هم بعضی از نانوائی‌ها به اجبار نان دور کتجدی به مردم می‌دهند که قصدشان حتماً بهره‌مندی مردم از فواید کتجد است! حالا این مسئله هم ممکن است به جایی ختم شود که نانوایان به مردم بگویند نان سنگک بدون سنگ و کتجد نداریم!

اصلاً شاید منظور رئیس اتحادیه این چیزهایی که ما خیال کردیم نبوده باشد و مقصود ایشان از فروش کیلویی نان، همان معنایی باشد که در ادبیات شفاهی مردم مرسوم است؛ یعنی اینکه هر کس هر چوری خواست نان بپزد و بفروشد و نانوائی‌ها کیلویی کار کنند! در این صورت جا دارد سؤال کنیم مدیریت کیلویی چندان؟

جناب پابرجا درباره پیشنهاد افزایش ۱۰ درصدی قیمت نان نیز گفته است: «با توجه به هزینه‌ها ما خواهان افزایش بیشتر قیمت نان هستیم.»

ما هم به عنوان نماینده مشتریان نان سنگک، در مقابل، پیشنهاد افزایش ۱۰ درصدی یا بیشتر طول نان را می‌دهیم که متناسب با افزایش قیمت، اندازه نان هم رشد کند! در این صورت هر چقدر خواستند نان را گران کنند عیبی ندارد!

در پایان به دولت‌مندان عزیز اعم از پوششی و غیرپوششی عرضه می‌داریم که ای عالیجنابان! یادتان هست نان پنیر و خیار گوجه می‌خوریم؟ دیگر دارد یادمان می‌رود! گوجه فرنگی که به خاطر هاپوست، لااقل همین نان سنگک را برای مردم بگذارد!



هشدار آشنا به نوچه‌ها

مشاور رئیس‌جمهوری درباره جایگزین بازنشستگان هشدار داد. حسام‌الدین آشنا در تویتر نوشت: «مراقب باشیم! نکند با هزار بدبختی بازنشستگان را از صندلی بلند کنیم ولی آنها نوچه‌هایشان را به جای خود بنشانند.»
جناب مشاور گویا در باغ نیستند! آنقدر در تویتر مشغولیت دارند که حواسشان به رفت و آمدهای روزانه هیئت دولت نیست و نمی‌دانند ما هنوز در این مرحله هستیم که وقتی با هزار بدبختی وزیری را توسط نمایندگان مجلس استیضاح می‌کنیم، همان شخص، بله دقیقاً خود همان شخص و نه نوچه‌اش، بر صندلی وزارتخانه دیگری تکیه می‌زند و به ریش ما می‌خندد! حالا کو تا برسیم به جایگزینی نوچه‌ها.
این چیزی که جناب آشنا فرموده‌اند در مقایسه با آنچه امروزه در جریان است یک موفقیت حساب می‌شود!

مکانی برای جلسه

پیشگویی: پس از برگزاری جلسه محیط زیست در اتاقی که پوست و سر گوزن بر دیوار آن چسبانده شده بود، مکان‌های زیر برای برگزاری جلسات مختلف پیشنهاد می‌گردد:

- «جلسه پیشگیری از اعتیاد جوانان؛ شیره کش خانه «کامران شیشه»
- «نشست مسئولان اقتصادی؛ سالن همایش صنف دلالان و قاچاقچیان کشور»
- «ستاد پیشگیری از زورگیری و شرارت؛ پاتوق قیصر سیبیلی و ارادل و شرکا»
- «همایش بررسی تأثیر قسم بقراط در فرآیند تعهدی بز شکان؛ پنت هاوس برج دکتر پزشکیورپان‌زاده»
- «انجمن حمایت از حقوق بشر؛ سفارت عربستان سعودی»
- «ستاد ساماندهی بازار ارز؛ منزل جمشید بسم الله»
- «کارگروه مقابله با چهل و تقلب در آثار علمی؛ روبروی دانشگاه تهران، کف پیاده‌رو»
- «کانون پرداخت سر موقع حق‌التحریر روزنامه‌نگاران؛ دفتر روزنامه جوان!»

دبیر اجرایی FATF: هیچ تضمینی برای خروج ایران از لیست سیاه وجود ندارد

وزارت خارجه: همین خودش تضمین است!



دبیر لوئیس گروه ویژه اقدام مالی در مصاحبه با بی‌بی‌سی گفت: هیچ تضمینی وجود ندارد که ایران با اجرای خواسته‌های FATF از لیست سیاه آن خارج شود. در واکنش به این خبر، دکتر ظریف اعلام کرد اعضای گری لوئیس تضمین است!

اما دبیر اجرایی گروه ویژه اقدام مالی دوباره مصاحبه کرد و گفت: اولاً که من گری لوئیس نیستم و دبیرم‌شان هستم! گری لوئیس کم‌دین پراوآزه را خدا بیامرزد. ثانیاً من هنوز چیزی را امضا نکرده‌ام که تضمین باشد!

در ادامه یک مقام آگاه در وزارت خارجه اعلام کرد: همین مصاحبه‌های آقای لوئیس هم تضمین است!

دبیر FATF مجدداً تأکید کرد که خیر، تضمین نیست. مقام آگاه باز هم اعلام کرد: همین که تضمین نمی‌دهند هم خودش تضمین است!

این بار دبیر لوئیس بیانه داد و هر گونه تضمینی را رد کرد که متقابلاً طی یک اقدام به موقع از سوی وزارت خارجه ایران اعلام شد ما می‌گیریم تضمین است پس هست!

آقای لوئیس همان موقع با خبرنگاران رسانه‌ها در دفترش مصاحبه کرد و در حالیکه خشمش و ناراحتی از چهره‌اش مشهود بود گفت: من و آبا و اجدادم و فرزندان و نوه‌ها و نتیجه‌هایم هرگز هیچ‌گونه تضمینی به هیچ‌کس نداده و نخواهیم داد! اما بلافاصله مقام‌های آگاه و هوشیار وزارت خارجه بیانه دادند که رنگ کراوات آقای لوئیس تضمین است، تازه این که چیزی نیست، همان دو تا سرفه‌های که ابتدای مصاحبه کردند هم خودش تضمین است و اگر غیر از این بود چرا سه تا سرفه نکردند؟!

خلاصه اینکه منابع خبری به گوش ما رسانده‌اند که پس از این بیانه آخر، دبیر لوئیس بار و بندیش را جمع کرده و به منظور فراگیری مؤثر روش‌های اخذ تضمین راهی ایران شده است.